مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد. همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است. مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

جاه‌طلبی هسته‌ای اسرائیل با همکاری آمریکا جهان را ناامن کرده است

آنتونی یلچمیرز: به دنبال ناتوانی سال‌های اخیر جامعه بین‌الملل در زمینه مجبور کردن اسرائیل به ارائه توضیح درباره زرادخانه هسته‌ای خود و قبول نظارت سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، دور از انتظار نیست که برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس یعنی عربستان سعودی و امارات عربی متحده همچنین ترکیه، ایران و احتمالا مصر و همچنین آفریقای جنوبی نیز درصدد دستیابی به توانایی ساخت سلاح‌های هسته‌ای از طریق غرب -فرانسه یا آمریکا- و شرق- پاکستان و روسیه- برآیند. برخی مذاکرات در زمینه همکاری‌های هسته‌ای آغاز شده است و بزودی فرزندان ما در دنیایی زندگی خواهند کرد که در هر لحظه از هر روز امکان دارد به خاکستر تبدیل شود.

این حادثه شوم نتیجه فاجعه‌بار بلندپروازی‌های هسته‌ای اسرائیل است که دولت‌های آمریکا هم از زمانی که اسرائیل «جان اف کندی» رئیس‌جمهور وقت آمریکا را در سال ۱۹۶۳ در زمینه مقاصد هسته‌ای واقعی خود فریب داد، در آن سهیم بوده‌اند. این واقعیت تلخ جهان امروز ماست و اگر بر این باورید که این مساله خیلی هشداردهنده نیست، کافی است تنها ۱۵ دقیقه درباره این موضوع در صفحات برخی نشریات معتبر مانند نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست، گاردین، فایننشال‌تایمز، فارین افرز یا حتی ویکی‌پدیا جست‌وجو کنید. زندگی کردن در جهانی که هر لحظه امکان اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در آن وجود دارد، به غیر از آنکه یک واقعیت است، کابوس هم به شمار می‌رود. اما اعتراف می‌کنم آسان‌تر این است که اصلا به جهانی که در آن این احتمال وجود دارد که حکومت‌های دموکرات یا دیکتاتور یا دولت‌هایی که سلاح هسته‌ای در اختیار دارند، ما را نابود کنند، فکر نکنیم.

به همین دلیل است که سران جهان مانند اوباما، پوتین، مرکل، اولاند و شی جین‌پینگ هم از پرداختن به این موضوع خودداری می‌کنند و این در حالی است که در خفا به گسترش زرادخانه‌های هسته‌ای خود می‌پردازند. تنها یک راه برای تامین امنیت جهان وجود دارد و آن اینکه منطقه خاورمیانه شامل هم اسرائیل و هم ایران منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای اعلام شود اما کنگره آمریکا که در هماهنگی کامل با «آیپک» به سر می‌برد، هرگز اجازه چنین کاری را نخواهد داد.

گلوبال ریسرچ

گزارشی از محکومیت مأمور سابق سیا

The Washington Post

یک مامور سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در پرونده افشای اطلاعات محرمانه مربوط به اقدامات واشنگتن علیه برنامه هسته‌ای ایران به ۳ سال و نیم حبس محکوم شد. این افسر سابق سیا به نام جفری استرلینگ که اطلاعات محرمانه‌ای را درباره عملیات مقابله با بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران به یک روزنامه‌نگار داده بود، روز دوشنبه به ۳ سال و نیم حبس محکوم شد، مجازاتی که اندکی بیش از مجازات کسانی است که اخیرا در ارتباط با افشای اطلاعات محرمانه با آن مواجه شده‌اند. خانم لئونی برینکما (Leonie Brinkema) قاضی فدرال آمریکا با صدور حکم محکومیت جفری استرلینگ ۴۷ ساله گفت از خدمات وی در طول عمرش تحت تاثیر قرار گرفته است اما احساس کرد لازم است با صدور این حکم پیامی به دیگران هم بدهد: «اگر شما آگاهانه این اسرار را فاش کنید، باید هزینه آن را بپردازید.» وی گفت که احساس می‌کند استرلینگ سزاوار مجازات سخت‌تری است زیرا برخلاف بسیاری از متهمان اخیر افشای اطلاعات محرمانه، او به کار خلاف خود اذعان نکرد. استرلینگ ماه ژانویه در ۹ فقره جرم در ارتباط با دادن اطلاعات طبقه‌بندی شده به جیمز رایزن، گزارشگر روزنامه نیویورک‌تایمز محکوم شد. مقامات دادستانی آمریکا این اقدام او را نقشه‌ای زشت برای ایجاد دردسر برای کارفرمای سابق خود توصیف کرده‌اند. هرچند نه مقامات دادستانی و نه وکلای دفاع خواستار مجازات معینی در پرونده‌های مکتوب خود نشدند و این نشان‌دهنده آن است که آنها نگاه‌های متضادی به این پرونده داشتند. مقامات دادستانی خواستار مجازاتی «سخت» شدند و چنین استدلال کردند که افشاگری غیرقانونی استرلینگ به مسدود شدن یکی از معدود سازوکارهای دولت آمریکا برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران منجر شد. وکلای مدافع نیز از قاضی خواسته بودند حکمی در راستای احکام صادر شده اخیر در پرونده‌های مشابه صادر کند. آنها به پرونده ژنرال دیوید اچ پترائوس اشاره کردند که امکان دسترسی معشوقه و زندگینامه نویس خود را به مطالب طبقه‌بندی شده فراهم کرده بود و به ۲ سال آزادی مشروط و جریمه ۱۰۰ هزار دلاری محکوم شد؛ جان کریاکو (John Kiriakou) افسر سابق سیا نیز که نام یک مامور مخفی دیگر را فاش کرده بود به ۳۰ ماه حبس محکوم شد؛ استیون جین وو کیم، کارشناس تسلیحاتی سابق وزارت خارجه آمریکا نیز که اطلاعات طبقه‌بندی شده را به یک گزارشگر شبکه فاکس‌نیوز داده بود به ۱۳ ماه حبس محکوم شد. دستورالعمل‌های فدرال در زمینه صدور احکام مجازات توصیه کرده است که مجرمان دست‌کم به ۱۹ سال و ۷ ماه و حداکثر به ۲۴ سال و ۵ ماه محکوم شوند، اما کارشناسان حقوقی گفته بودند بعید است قاضی برینکما چنین احکام سختی صادر کند. وکلای مدافع چنین استدلال کردند که این دستورالعمل‌ها برای مجازات جاسوسانی است که به دولت‌های خارجی کمک می‌کنند. مقامات دادستانی این استدلال را رد می‌کردند و می‌گفتند استرلینگ را نباید با پترائوس، کریاکو و کیم مقایسه کرد که همگی جرم خود را پذیرفتند و -دست‌کم براساس آنچه اعتراف کردند- عملیات اطلاعاتی فعلی را به خطر نینداختند.

واشنگتن‌پست

آیا مذاکرات در سیاست داخلی ایران و آمریکا شکست می‌خورد؟

CSIS | CENTER FOR STRATEGIC & INTERNATIONAL STUDIES

پالینا ایزویچ: ماه گذشته محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به اشاره گفت: «ممکن است کار باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در مذاکره با کنگره بر سر برنامه هسته‌ای ایران، از کار او در مذاکرات با تهران دشوارتر باشد». به نظر می‌رسد این حرف ظریف درست از آب درآید. مجلس سنای آمریکا هفتم مه/ هفدهم اردیبهشت قانون بازنگری توافق هسته‌ای ایران را با ۹۸ رای موافق در برابر یک رای مخالف به تصویب رساند. وقتی یک هفته بعد مجلس نمایندگان نیز با ۴۰۰ رای موافق در برابر ۲۵ رای مخالف آن را تصویب کرد، اوباما بر بزرگ‌ترین مانع باقیمانده در کنگره برای دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران فائق آمد. این طرح مصالحه‌ای است که با میانجیگری «باب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنا به دست آمد و به کنگره ۳۰ روز فرصت می‌دهد به بررسی هرگونه توافق احتمالی گروه ۱+۵ با ایران بپردازد. اگر توافق طی ۵ روز برای بازبینی در اختیار کنگره قرار نگیرد، این مدت به صورت خودکار به ۶۰ روز افزایش می‌یابد. قانون بازنگری در توافق هسته‌ای ایران که از دید برخی یک پیروزی برای کنگره و از دید برخی دیگر یک پیروزی برای رئیس‌جمهور و دیگران محسوب می‌شود، در واقع چیزی بینابین است. این مصوبه از یک طرف اهرم نظارتی مهمی را در اختیار کنگره قرار می‌دهد که براساس آن هم کنگره باید رضایت خود را از توافق احتمالی اعلام کند و هم رئیس‌جمهور باید به‌صورت دوره‌ای گواهی بدهد که ایران به توافق پایبند بوده است. از طرف دیگر، این مصوبه به طور فعلی خود به طور چشمگیری این خطر را که کنگره توافق را باطل کند یا مذاکرات را به شکست بکشاند، کاهش می‌دهد. این احتمال دوم در فصل زمستان بر مذاکرات هسته‌ای سایه انداخته بود. آن زمان کنگره کوشید تحریم‌های تازه‌ای را علیه ایران تصویب کند که نه فقط اوباما با صراحت تهدید کرد آن را وتو خواهد کرد، بلکه مجلس ایران را نیز بر آن داشت طرحی را پیشنهاد دهد که دولت را ملزم می‌کرد غنی‌سازی اورانیوم را تا سطح درجه تسلیحاتی ۶۰ درصدی افزایش دهد. چنین تلاش‌هایی ممکن است برای فرستادن پیام هشدار به طرف مقابل بوده باشد، اما در عین حال یادآور این نیز هست که در هر دو طرف مراکز بانفوذی هستند که منافع آنها نیز باید در نظر گرفته شود. در واقع، براساس نظریه «بازی‌های دووجهی» رابرت پوتنم (Robert Putnam)، مذاکرات بین‌المللی همیشه بر سر دو میز انجام می‌گیرد: میز مذاکرات بین‌المللی، جایی که مذاکرات واقعی انجام می‌گیرد، و میز مذاکرات ملی، جایی که مذاکره‌کنندگان باید هرگونه توافق بالقوه و احتمالی را به افکار عمومی خود بقبولانند. این روند «اخذ تایید» نقش مهمی در مذاکرات دارد و اغلب به بازی معمول «پلیس خوب، پلیس بد» می‌انجامد که تلاشی برای تقویت موضع طرف‌های مذاکره‌کننده است. شاید بتوان گفت این پویایی پیش‌تر نقش خود را در مذاکرات کنونی ایران ایفا کرده است. یک نمونه جالب لغو تحریم‌هاست که اکنون مساله اصلی در مذاکرات محسوب می‌شود. وقتی به شکل روزافزون آشکار شد در صورت حصول توافقی درباره لغو تحریم‌ها، اوباما قادر نخواهد بود به وعده خود برای لغو فوری تحریم‌ها عمل کند ایران به شکلی ظریف موضع خود را تغییر داد. مثلا عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه ایران اخیرا گفت هرچند به محض اجرای توافق هسته‌ای نهایی همه تحریم‌ها باید یکباره لغو شود، ممکن است میان زمان امضای توافق و روزی که همه طرف‌ها آماده‌اند آن را اجرا کنند فاصله‌ای وجود داشته باشد. این یک تغییر ظریف، اما مهم در موضع قبلی ایران است که اصرار می‌کرد همه تحریم‌ها باید «روز اول» لغو شود.

سپس با توجه به اینکه کنگره می‌تواند نقشی سازنده ایفا کند، قانون بازنگری در توافق هسته‌ای ایران ممکن است بهترین ابزار برای ایجاد تعادل صحیح میان «میزهای مذاکرات» بین‌المللی و ملی باشد. مجلس ایران در اقدامی غیرتعجب‌آور با مطرح کردن پیش‌نویس طرحی واکنش نشان داد که مستلزم تصویب هرگونه توافق هسته‌ای نهایی در مجلس است. تصور اینکه توافق احتمالی در نهادهای قانونگذاری ۲ کشور به تصویب نرسد، ابهام و بلاتکلیفی را در هر ۲ طرف افزایش می‌دهد و این می‌تواند به مذاکره‌کنندگان کمک کند فضای مانور بیشتری داشته باشند. اما اگر توافقی به دست آید این ابهام و بلاتکلیفی با ۲ عامل کاهنده برطرف خواهد شد: موضع مجلس ایران در نظام سیاسی این کشور و احتمال کاملا واقعی اینکه در صورت مخالفت کنگره با توافق هسته‌ای نهایی، رئیس‌جمهور آمریکا آن را وتو کند.

هفته گذشته نامه‌ای با امضای ۱۵۰ عضو دموکرات کنگره در حمایت از مذاکرات هسته‌ای ایران امضا شد که حاکی است کنگره نمی‌تواند به حداکثر لازم برای فائق آمدن بر وتوی رئیس‌جمهور دست یابد. این مانع از آن نمی‌شود که کنگره به فکر راه‌هایی بیفتد که تاثیر خود را بر مذکرات کنونی بگذارد. یک اقدام ممکن که «میچ مک‌کانل» رهبر جناح اکثریت سنا به آن اشاره کرد، این است که کنگره با توافق احتمالی مخالفت نکند و از مواجهه با وتوی رئیس‌جمهور خودداری کند، اما در عوض بخواهد قطعنامه‌ای در تایید توافق به تصویب برساند و ناکام بماند. هرچند این مساله تاثیر عملی چندانی نخواهد داشت، اما پیام مورد نظر کنگره را خواهد فرستاد.

مساله تایید داخلی توافق هسته‌ای نهایی به صورت متناوب ادامه خواهد یافت. این عنصری حل‌نشدنی از مذاکرات بین‌المللی است و نقش مهمی نیز ایفا می‌کند. اما استفاده از این عنصر مستلزم برقراری یک توازن بسیار ظریف است: مذاکره‌کنندگان به جای تلاش برای مقابله با فشار سنگین داخلی، باید بتوانند بر حصول اجماع در جبهه بین‌المللی متمرکز شوند. اگر بتوان نمونه‌های گذشته را سرمشق قرار داد، متوجه می‌شویم این بخش از کار نیز به اندازه کافی دشوار است.

وب‌سایت مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی

اعتبار تهدید نظامی علیه ایران کاهش یافته است

مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران، بحث‌های جدی را در واشنگتن و در پایتخت‌های سراسر دنیا به راه انداخته است اما گام‌هایی خارج از مذاکرات هسته‌ای وجود دارد که اوباما می‌تواند بردارد تا تضمین کند آمریکا و متحدانش روز پس از معامله قوی‌تر و در امنیت بیشتر از روز قبل از آن هستند. یکی از این اقدامات این است که بمب‌های بتون‌شکن ۳۰ هزار پوندی موسوم به ام‌اوپی و ابزارهای حمل آن را به اندازه کافی برای نابود کردن عمیق‌ترین سایت‌های هسته‌ای زیرزمینی ایران، در اختیار اسرائیل قرار دهد. در حال حاضر اسرائیل بمب‌های بتون‌شکن ۵ هزار پوندی را که آمریکا عرضه کرده است، در اختیار دارد اما کارشناسان تردید دارند این بمب‌ها بتواند به شکل جدی جلوی توسعه هسته‌ای ایران را بگیرد. در مقابل تقریبا به طور قطع بمب‌های ام‌اوپی که اسرائیل اکنون به آنها دسترسی ندارد قادرند سایت‌های هسته‌ای ایران را نابود کنند. همانطور که «مایکل ماکوفسکی» مقام سابق پنتاگون و «دیوید دپتولا» ژنرال نیروی هوایی آمریکا در سرمقاله ۲۰۱۴ خود در وال‌استریت‌ژورنال اشاره کردند، وزارت دفاع آمریکا در حال حاضر بمب‌های ام‌اوپی اضافی دارد و هواپیماهایی دارد که می‌توانند این بار را به اسرائیل حمل کنند. یک قسمت از سیاست دیرین آمریکا در برابر ایران، تهدید نظامی معتبری بوده است که تضمین می‌کند ایران به سلاح هسته‌ای دست نمی‌یابد. بسیاری می‌گویند اعتبار این تهدید کاهش یافته است و اینکه ایران اکنون بیش از هر زمان اطمینان دارد که هدف حمله قرار نخواهد گرفت. تجهیز اسرائیل با توانمندی قوی‌تری برای از بین بردن تاسیسات هسته‌ای ایران، به بازداشتن این کشور از شکستن هر توافقی که ممکن است امضا کند، کمک می‌کند. انتقال بمب‌های ام‌اوپی به اسرائیل همچنین به فرونشاندن نگرانی‌های کنگره و متحدان خاورمیانه‌ای آمریکا که از این معامله نوظهور بیم دارند، کمک می‌کند. اوباما باید اقداماتی انجام دهد تا امنیت متحدان آمریکا را تقویت کند و به کنگره اطمینان دهد او از موضع برتر مذاکره می‌کند. انتقال بمب‌های ام‌اوپی به اسرائیل به رئیس‌جمهور آمریکا کمک می‌کند به این اهداف دست یابد. از آنجا که بمب‌های ام‌اوپی خارج از محدوده مذاکرات هستند، ایران در موقعیتی نیست که با انتقال آنها به اسرائیلی‌ها مخالفت کند. ایران به توسعه زرادخانه حزب‌الله ادامه می‌دهد و همه جمعیت اسرائیل را در تیررس راکت‌های حزب‌الله قرار می‌دهد. ایران از رژیم اسد در سوریه و حماس در نوار غزه حمایت می‌کند. این کشور از شورشیان حوثی در یمن، حمایت می‌کند. این کشور خشونت و تروریسم را در سراسر خاورمیانه تبلیغ می‌کند. ما اکنون در برهه‌ای هستیم که در آن باید اقدامات بسیار بیشتری برای اسرائیل صورت گیرد تا برتری نظامی خود را حفظ کند و این جزو تعهدات لازم‌الاجرای آمریکاست که تضمین کند اسرائیل می‌تواند بر ترکیبی از تهدیدهای متعارف معتبر، غلبه کند. ماه گذشته روسیه ممنوعیت ارائه یک سامانه دفاع موشکی پیشرفته به ایران را برداشت. آمریکا باید اطمینان حاصل کند که توانمندی‌های نظامی متعارف اسرائیل قوی‌تر از توانمندی ایران است، نه ضعیف‌تر از آن. برخی ممکن است این بحث را مطرح کنند که بی‌ثباتی منطقه و مذاکرات حساسی که جریان دارد، موجب می‌شود شرایط زمانی فعلی، برای ارائه تسلیحات تازه به خاورمیانه مناسب نباشد اما آن دسته افرادی که به اسرائیل و به ائتلاف آمریکا- اسرائیل اعتماد دارند، می‌دانند بمب‌های ام‌اوپی موجب بی‌ثباتی بیشتر نمی‌شود. اسرائیل از قبل توانمندی‌های نظامی تهاجمی قابل توجهی داشته و همواره مسؤولانه از آنها استفاده کرده است. انتقال بمب‌های ام‌اوپی به خودی خود، مساله هسته‌ای ایران را حل نمی‌کند یا از لزوم تاکید هر معامله نهایی بر نبود مسیر تکنیکی رسیدن ایران به بمب نمی‌کاهد اما به آمریکا امکان می‌دهد از موضع قدرت مذاکره کند و پس از مذاکرات نیز در موضع قدرت بماند. این یکی از ابزارهای متعددی است که رئیس‌جمهور آمریکا از طریق آن می‌تواند با یک توافق هسته‌ای پایدار و قوی با ایران، اسرائیلی امن‌تر و خاورمیانه‌ای باثبات‌تر را تضمین کند.

نیویورک‌پست

اسرائیل باید قرص تلخ توافق هسته‌ای ایران را ببلعد

ام کی بهادراکومار: ایران با دیدار باراک اوباما و سران کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس در کمپ‌دیوید راحت کنار آمده است. آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران در تهران آشکارا بی‌اعتنایی خود را به این دیدار نشان داد. آنچه برای تهران اهمیت دارد، این است که اوباما کشورهای عرب خلیج‌فارس را ساکت و «پشتیبانی» آنها را از توافق هسته‌ای قریب‌الوقوع ایران کسب کرده است. یک جمعیت پر سر و صدا در همسایگی ایران- که تهدید می‌کرد آشوب به راه بیندازد- متفرق شده است. کاملا قابل پیش‌بینی است که یک روز پادشاهان خلیج‌فارس دست تایید تکان خواهند داد و زیر لب خواهند گفت توافق هسته‌ای ایران در راستای «منافع امنیتی» آنان است. سران کشورهای خلیج‌فارس متوجه شدند توافق هسته‌ای ایران اهمیت حیاتی برای آمریکا دارد و آنها دو گزینه پیش روی خود دارند که یکی جدایی از آمریکا و روی آوردن به گزینه نافرمانی راهبردی است و دیگری پذیرفتن واقعیت و کنار آمدن آبرومندانه با آن. برای این حاکمان اقتدارطلب که حمایت آمریکا از آنها به منزله رگ حیات است، چاره دیگری در این موضوع متصور نبود. آیا درباره اسرائیل نیز می‌توان همین حرف را زد؟ بر خلاف نظام‌های اشراف‌سالاری کهنه عربی، اسرائیل یک دموکراسی مدرن است؛ اسرائیل دارای دولتی است که در نهایت فقط در برابر شهروندان خود پاسخگوست و لاغیر؛ هرچند ممکن است دریافت‌کننده کمک‌های چشمگیری از آمریکا باشد اما اقتصاد پرنشاطی دارد و طبق معیارهای جهانی رژیمی ثروتمند محسوب می‌شود. اسرائیل اصولا در موقعیت مناسبی برای تجدیدنظر در واکنش خود به توافق هسته‌ای احتمالی قرار گرفته است اما آیا این کار را خواهد کرد؟ با توجه به حمایت فراگیر بین‌المللی از مفاد توافق هسته‌ای ایران و یا کمرنگ شدن هر چه بیشتر احتمال کارشکنی کنگره آمریکا در حصول این توافق، اسرائیل باید هر چه سریع‌تر در موضع خود به تجدیدنظر بپردازد. آخرین امید اسرائیل این بود که با نظام‌های اشراف‌سالار خلیج [فارس] یک جبهه واحد تشکیل دهد که این نیز در ریگ روان سیاست کشورهای این منطقه دفن شده است (نشست کمپ‌دیوید حتی درباره مساله فلسطین نیز با حمایت از راه‌حل دو کشور، موضعی غیردوستانه در برابر اسرائیل اتخاذ کرد). به نظر من، اوباما از حالا تا پایان ژوئن برای نشستی دیگر در کمپ‌دیوید و این بار با «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل تلاش نخواهد کرد اما اسرائیل نیز به چنین نشستی نیاز ندارد. دولت اسرائیل نیز عملگراست و نتانیاهو یک واقع‌گرای آبدیده. او می‌داند فریادهای سناتور «جان مک‌کین» برای بمباران ایران هیچ‌گاه واقع‌بینانه نبوده است. با این حال، جالب است که ببینیم اسرائیل این قرص تلخ توافق هسته‌ای ایران را چگونه می‌بلعد. نتانیاهو می‌تواند زیرکی نشان دهد و با گرفتن چیزی واقعا ملموس از اوباما - بر خلاف امتیازات پیش پا افتاده مکرری که عرب‌های خلیج‌فارس از آمریکا دریافت می‌کنند- تلاش کند از یک موقعیت بد حداقل چیزی به دست آورد. آمریکا هرگز در برابر پیشنهاد اعطای کمک‌های بیشتر به اسرائیل مقاومت نکرده است. این اقدامی پرطرفدار در کنگره آمریکا، رسانه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی است. اوباما می‌تواند به پشتیبانی فراجناحی طبقه سیاسی آمریکا از افزایش کمک‌ها به اسرائیل مطمئن باشد. در نتیجه، این بستگی به زیرکی و نبوغ نتانیاهو دارد که یک «فهرست خواسته‌ها» آماده و به اوباما ارائه کند؛ البته در صورتی که قبلا این کار را نکرده باشد.

پایگاه اینترنتی آسیاتایمز

درخواست جمهوری‌خواهان برای اتخاذ موضع مقابله‌جویانه‌تر در قبال ایران

جمهوری‌خواهانی که به دنبال جلب حمایت فعال‌ترین اعضای این حزب در ایالت آیووا هستند، شنبه خواستار تقویت حضور آمریکا در جهان شدند و ضمن پرداختن به طیف گسترده‌ای از مسائل، خواستار رفتار سختگیرانه‌تر با دشمنان آمریکا شدند. پیش‌تر حدود ۱۲ نامزد احتمالی ریاست جمهوری جمهوری‌خواهان همزمان با «روز نیروهای مسلح» با حضور در ضیافت شام این حزب در ایالت آیووا، خواستار اتخاذ موضعی مقابله‌جویانه‌تر در قبال ایران شدند. ریک سانتوروم، سناتور سابق درباره نحوه برخورد با ایران - که یکی از ۴ کشوری است که از سوی آمریکا به حمایت مکرر از تروریسم جهانی متهم شده است- گفت: «باید بمب‌افکن‌هایمان را کاملا مسلح به بمب کنیم و آنها را بمباران کنیم تا به وضع قرن هفتم بازگردند.» جب بوش، فرماندار سابق ایالت فلوریدا اوایل روز شنبه از کماندوهای آمریکایی که گفته می‌شود یکی از سرکردگان داعش را در سوریه که رئیس بخش عملیات نفتی این گروه بوده، کشته‌اند تمجید کرد. بوش در این باره از اوباما تمجید نکرد، بلکه او را به فراهم کردن زمینه برای ظهور داعش از طریق خارج کردن نظامیان آمریکایی از عراق متهم کرد. وی در جمع خبرنگاران در شرق آیووا گفت: «امروز روز بزرگی است، اما این یک راهبرد نیست.» با اینکه جورج بوش در روزهای اخیر در سخنانی مبهم، دستور حمله‌اش به عراق در سال ۲۰۰۳ را به شوخی گرفت، راند پل، سناتور ایالت کنتاکی در گردهمایی جمهوری‌خواهان گفت این «سوالی معتبر» است که باید از نامزدهای ریاست جمهوری پرسید، اینکه آیا آنها به عراق حمله و صدام را سرنگون کرده‌اند. راند پل که از برخی سیاست‌های خارجی پدرش ران پل، سناتور جمهوری‌خواه سابق ایالت تگزاس حمایت می‌کند، پرسید: «ما باید این سوال را مطرح کنیم که آیا از سرنگونی صدام تاکنون عراق باثبات‌تر شده است یا بی‌ثبات‌تر؟» لیندسی گراهام، سناتور ایالت کارولینای جنوبی نیز تلاش کرد هرگونه ادعا مبنی بر اینکه مشکلات موجود در عراق ناشی از دستور جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه سابق برای حمله به عراق است، رد کند.

وی از اوباما به خاطر قولی که در مبارزات انتخاباتی خود برای خارج کردن نظامیان آمریکایی از عراق داد، انتقاد کرد و گفت: «کسی را که من مقصر می‌دانم، باراک اوباماست نه جورج دبلیو بوش.»

ریک پری، فرماندار سابق ایالت تگزاس نیز مانند دیگران اوباما را به جدی نگرفتن تهدید داعش متهم کرد. پری گفت: «داعش از گارلند در ایالت تگزاس سر درآورده است. این دنیای پرچالشی است که در آن زندگی می‌کنیم.» نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری جمهوری‌خواهان به جز اختلاف جزئی درباره سیاست این حزب در قبال ایران و داعش، درباره شکست هیلاری کلینتون، نامزد ریاست جمهوری دموکرات‌ها متفق‌القول بودند. آنها کلینتون را وصل به اوباما دانستند و او را به خاطر خوب پاسخ ندادن به سوالات در مبارزات انتخاباتی خود تمسخر کردند.

کارلی فیورینا، مدیر تجاری سابق گفت اگر کلینتون می‌خواهد رئیس‌جمهور شود، «باید به برخی سوالات پاسخ دهد.» راند پل هم با لحنی تمسخرآمیز گفت اصلاً هیچ سوالی از کلینتون پرسیده نمی‌شود. بوش اخیرا گفته بود بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ سوال دریافت کرده است، در حالی که تعداد انگشت‌شماری سوال از کلینتون پرسیده شده است. فیورینا در انتقادی گسترده‌تر از کلینتون گفت: «هیلاری کلینتون نباید رئیس‌جمهور شود، زیرا وی قابل اعتماد نیست، سابقه طولانی مدیریت و رهبری ندارد و سیاست‌هایش کشور را نابود خواهد کرد.» افراد دیگری که در گردهمایی جمهوری‌خواهان -که حدود هزار و ۳۰۰ تن از جمهوری‌خواهان آیووا در آن شرکت کرده بودند- صحبت کردند، بن کارسون، جراح سابق، بابی جیندال، فرماندار لوئیزیانا، جورج پاتاکی، فرماندار سابق نیویورک، دونالد ترامپ، بازرگان و اسکات واکر، فرماندار ایالت ویسکانسین بودند.

واکر خواستار تقویت و تسریع مبارزه با تروریسم شد. وی که به تازگی به اسرائیل سفر و با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل گفت‌وگو کرده است، سیاست خارجی اوباما را «ترسیم خط قرمزی در ماسه‌ها و اجازه دادن به افراد برای عبور از آن» توصیف کرد. وی گفت آمریکا «تلاش می‌کند بر این افراد فائق آید».

آسوشیتدپرس

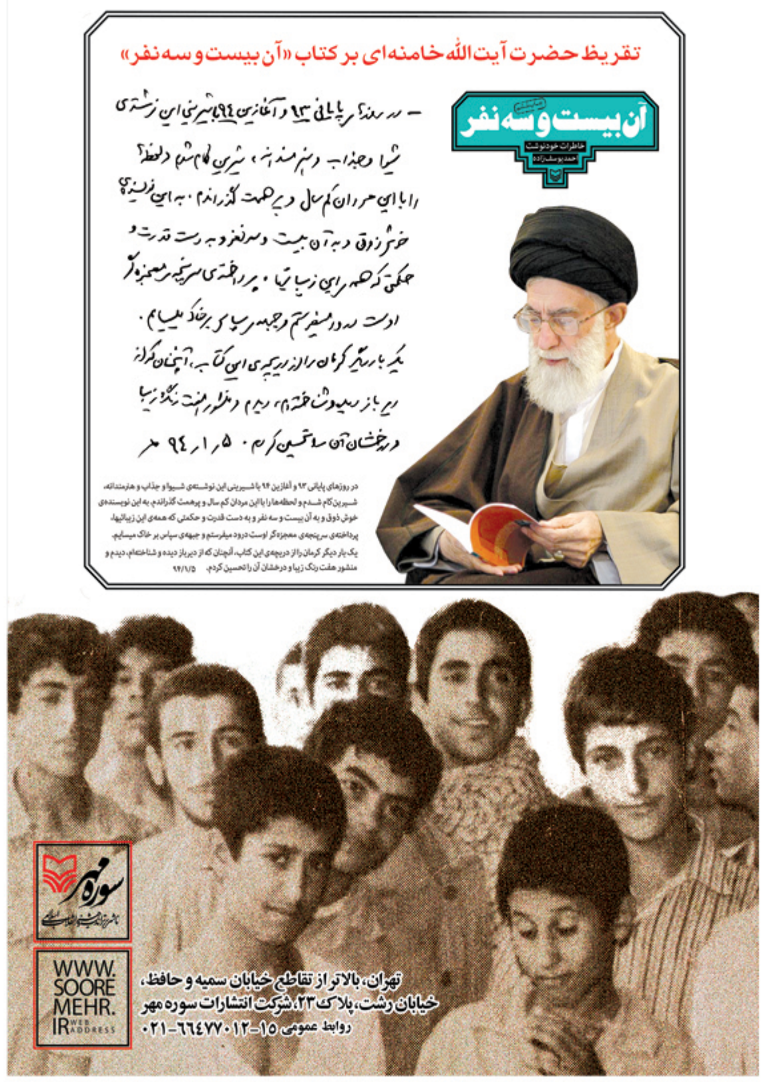

تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر کتاب «آن بیست و سه نفر»

آن بیست و سه نفر
خاطرات خودنوشت
احمد یوسف‌زاده
در روزهای پایانی ۹۳ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته‌ی
شیوا و جذاب و هنرمندانه، شیرین‌کام شدم و لحظه‌ها
را با این مردان کم‌سال و پرهمت گذراندم. به این نویسنده‌ی
خوش ذوق و به آن بیست و سه نفر و به دست قدرت و
حکمتی که همه‌ی این زیبائیها پرداخته‌ی سرپنجه‌ی معجزه‌گر
اوست درود میفرستم و جبهه‌ی سپاس بر خاک میسایم.
یک بار دیگر کرمان را از دریچه‌ی این کتاب، آنچنان که از
دیرباز دیده و شناخته‌ام، دیدم و منشور هفت رنگ زیبا
و درخشان آن را تحسین کردم. ۹۴/۱/۵

در روزهای پایانی ۹۳ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته‌ی شیوا و جذّاب و هنرمندانه، شیرین‌کام شدم و لحظه‌ها را با این مردان کم‌سال و پرهمت گذراندم. به این نویسنده‌ی خوش ذوق و به آن بیست و سه نفر و به دست قدرت و حکمتی که همه‌ی این زیبائیها پرداخته‌ی سرپنجه‌ی معجزه‌گر اوست درود میفرستم و جبهه‌ی سپاس بر خاک میسایم. یک بار دیگر کرمان را از دریچه‌ی این کتاب، آنچنان که از دیرباز دیده و شناخته‌ام، دیدم و منشور هفت رنگ زیبا و درخشان آن را تحسین کردم. ۹۴/۱/۵

سوره مهر
WWW.SOOREMEHR.IR
تهران، بالاتر از تقاطع خیابان سمیه و حافظ،
خیابان رشت، پلاک ۲۳، شرکت انتشارات سوره مهر
روابط عمومی ۱۵-۶۶۴۷۷۰۱۲-۰۲۱

رسپینا
ارتباط ارزش‌ها
پهنای باند اینترنت اختصاصی
برای موسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی
پشتیبانی ۲۴ ساعته در تمام هفته
تجربه‌ای متفاوت با رسپینا
این سرویس فقط در محدوده های استان تهران
البرز و استان فارس ارایه می شود.
بخش فروش: ۲۳۰ ۲۳۰ ۸۴
www.respina.net

کاسبان کاهش نرخ جمعیت در ایران

گزارش امروز ادامه از صفحه اول

■ **کمک‌مالی غربی‌ها به ایران در ازای کاهش جمعیت!**

از جمله حمایت‌های غربی‌ها از کاهش جمعیت ایران می‌توان به شرط‌گذاری آنها برای مساعدت مالی به ایران اشاره کرد. سال ۷۲ طرحی با موضوع کنترل جمعیت در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در همان زمان به خاطر تلاش ایران در کاهش نرخ رشد جمعیت و رتبه نخست ایران در این حوزه در میان کشورهای اسلامی، نهادهای بین‌المللی، کشورمان را به عنوان پایگاه آموزش کاهش جمعیت در منطقه برگزیدند و صندوق جمعیت سازمان ملل ۴ میلیون دلار به دولت ایران و ۱۰ میلیون دلار به سازمان‌های فعال دولتی و غیردولتی در این زمینه پرداخت کرد. از همان زمان تلاش برای واردات چشمگیر وسایل پیشگیری از بارداری به ایران آغاز شد و ارائه تسهیلات مالی و فنی به فعالان این حوزه در دستور کار کشورهای خارجی قرار گرفت.

حتی برژینسکی، مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا در سال ۸۸ گزینه حمله نظامی به ایران را فاقد کارآیی لازم برشمرد و ادعا کرد روند کنونی کاهش جمعیت در ایران راه‌حل مناسبی برای مقابله با این کشور خواهد بود. فرشته روح‌افزا، عضو شورای فرهنگی- اجتماعی زنان نیز چندی قبل در مصاحبه‌ای گفته است: کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا برای ایجاد تعادل جمعیتی به نفع خود و به‌عنوان یکی از سیاست‌های استراتژیک در دکترین دفاع ملی و سیاست خارجی به کاهش رشد جمعیت در جهان سوم بویژه کشورهای اسلامی پرداختند. عمده فعالیت‌های کنترلی آمریکا بر این کشورها از طریق صندوق بین‌المللی پول و آژانس‌های سازمان ملل از جمله یونیسف، صندوق جمعیت، سازمان بهداشت و سازمان کشاورزی (فائو) صورت می‌گیرد. طبق سند منتشر شده از سوی پنتاگون، برنامه‌هایی که همه آژانس‌های سازمان ملل در سطح جهان در کشورهای دیگر اجرا می‌کنند به عنوان عملیات دفاعی و نظامی ارتش آمریکا محسوب می‌شود که براساس آن قانون تنظیم خانواده در ایران نیز در سال ۱۳۷۲ تصویب و اجرا شده است.

وی می‌افزاید: هدف اصلی این قانون کاهش میزان باروری کلی زنان ایران از ۶/۴ به ۴ فرزند تا سال ۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۹ درصد تا پایان برنامه اول سال ۷۲ و کاهش نرخ رشد جمعیت از ۲/۹ به ۲/۳ درصد تا سال ۹۰ بوده است. نکته قابل تامل این است که ایران در سال ۷۱ قبل از تصویب قانون تنظیم خانواده (۷۲) به هدف اصلی این قانون یعنی کاهش جمعیت رسیده بود. شهید مطهری نیز نسبت به اجرای طرح کنترل موالید انتقاد می‌کند و می‌گوید توجه داشته باشید که مساله ازدیاد نفوس که اسمش را می‌گذارند «بمب جمعیت» و آنقدر هم گفته‌اند که یک حس تنفر از بچه در مردم ایجاد کرده‌اند، در کشور ما صادق نیست یعنی کشورهای اسلامی هنوز به حدنصاب جمعیت نرسیده‌اند و این یک نیرنگ استعماری است. همچنین تصویب برنامه تنظیم خانواده در سال ۶۸ در دولت برای کاهش فرزندآوری، منجر به اختصاص وام ۱۵۰ میلیون دلاری صندوق جمعیت ملل متحد به ایران شد و برای عدم حساسیت مردم استفاده از عنوان کلی بهداشت باروری را جایگزین عبارت تنظیم خانواده کردند. همه این عوامل باعث روند رو به کاهش غیرمنتظره جمعیت در کشور شد که با اعلام خطر جمعیت‌شناسان مواجه شد.

■ **مخالفان افزایش جمعیت در بازار «پیشگیری» سهم دارند!**

افزایش نرخ باروری در ایران و مقابله با پیری جمعیت، مخالفان سرسختی دارد. برخی از این مخالفان سعی می‌کنند نگاه کارشناسی خود را بیان کنند اما از سوی دیگر، عده‌ای از آنها در بازار تولید و واردات وسایل پیشگیری از بارداری دارای سهم و منفعت اقتصادی هستند و به بهانه‌های مختلف همچون در تعارض بودن افزایش نرخ باروری با حقوق خصوصی افراد، به انتقاد از آن می‌پردازند.

در همین باره می‌توان به گروه و شرکتی اشاره کرد که بزرگ‌ترین توزیع‌کننده وسایل پیشگیری در ایران است. اعضای این شرکت از شهر مشخصی هستند و اتفاقا این شهر زادگاه برخی مدیران ارشد اسبق و کنونی در حوزه اجرایی است که مخالف اجرای برنامه‌های افزایش نرخ باروری هستند.

جای تامل دارد که منافع اقتصادی برخی افراد باعث می‌شود آنها توجهی به انتقال جمعیت کشور از جوان به میانسال نداشته باشند. گویا سود و منفعت کوتاه‌مدت آنها آنقدر مهم است که آینده یک ملت را نادیده می‌گیرند. قطعا اجرای صحیح برنامه‌های افزایش نرخ باروری در کشور می‌تواند تاثیراتی در بازار فروش وسایل پیشگیری از بارداری داشته باشد و هرچقدر نرخ باروری بیشتر شود، سود و منفعت اقتصادی حاصل از فروش این وسایل نیز کاهش می‌یابد.

«زایمان مذاکرات» کار را به کجا کشید؟

تاکسی امروز ادامه از صفحه اول

تنها مسافر خانم تاکسی

اما بعد از اینکه موضوع حق و حقوق زن در آن روزنامه مطرح شد، گفت: «بیخود گفته، آخه چه ربطی داره؟ معذرت می‌خوام از حضورتون (دوبار تکرار کرد) اما من خودم یه نیم دوجین بچه به دنیا آوردم، ۶ شکم. همش هم طبیعی بوده، همش هم با انتخاب خودم بوده، اما اگر قانونی بود که حتما می‌گفت طبیعی باید زایمان کنید باز هم درست بود. الان معذرت می‌خوام (دوبار تکرار کرد) دختر من یک سال پیش سزارین کرد. هنوز هم که هنوزه هر روز یه مرض تازه می‌گیره، دوران بعد بچه‌داری‌اش هم فقط دور و بری‌هاشو اذیت کرد، چون سزارین کرده بود و نمی‌تونست از جا پاشه، همه کاراش افتاده بود گردن شوهر بنده خداش!»

اینجای بحث بود که راننده ژست آکادمیک گرفت، دست به سبیل کشید و گفت: «بله آقا! حقوق مردها چی میشه این وسط؟! باید کلی روز از کار بمونه خونه و بچه نگه داره، اون هم تو روزهای اول که بچه باید بیشتر پیش مادرش باشه تا پدرش».

پیرمرد دست به عصایی که کنارم نشسته بود گفت: «فتنه و دعوا سر نونه مشدی، دوره آخرالزمونه مشدی، از من می‌شنوی این سزارین یه نوندونی شده برا اونایی که از این راه پول درمیارن».

خانم حرف‌هایش را تایید کرد و ادامه داد: دست این وزارت بهداشت درد نکنه. اصلا از وقتی که این زایمان طبیعی رایگان شده، تبلیغ بعضی از این دکترا برای سزارین کردن هم بیشتر شده، چون سزارین نه که پول بیشتری باید خرج کنی به نفعشونه دیگه». خلاصه بحث همینطور ادامه داشت، تا جایی که آقای جوان سی و چهار- پنج ساله اطلاعات دقیق‌تری از معایب سزارین کردن ارائه داد. از بدشکل شدن اندام زنان، تا مرگ زودرس و بیماری‌های زنان و قس‌علی‌هذا. چندبار آنقدر تخصصی شد که جمیع مسافرین کف تاکسی را نظاره می‌کردند. در عین حال مانند یک کنفرانس علمی همه هم گوش می‌دادند. برایم عجیب بود که این اطلاعات اصلا به چه دردش می‌خورد اما لابد به دردش می‌خورد دیگر. آقای بانک اطلاعات حتی گفت که اصلا در خارج چیزی به اسم سزارین مگر در موارد خاص وجود ندارد. بحث آنقدر طویل شد که کل مسیر را کفاف می‌داد. رسیدیم تا آنجا که راننده گفت: کاش حداقل تو این یکی (منظورش زایمان طبیعی بود) ما از خارجی‌ها یاد می‌گرفتیم!

سران فریب‌خورده عرب و افول آمریکا

یادداشت امروز ادامه از صفحه اول

اما نظام اقتصادی نولیبرال تحمیلی از سوی سرمایه‌داری جهانی به هیچ وجه اصلاحات سوسیال ـ دموکرات‌ها را تحمل نمی‌کند و کسانی که سرمایه‌داری جهانی را در سیطره خود دارند، صرفا با ساختار سیاسی‌ای موافقت می‌کنند که هیچ چالشی برای نظام سرمایه‌داری ایجاد نکند.

ارتقای تروریسم به جایگاه «تهدید» ـ که امروز معادل تهدید کمونیسم برای غرب است- استفاده خاص خود را برای کاپیتالیسم جهانی دارد. استفاده مکرر از واژه «تروریسم»، لوایحی که در پارلمان‌ها و کنگره برای خفه کردن مردم به منظور جلوگیری از ابراز عقیده تصویب می‌شود، تجویز عقاید به دانشگاهیان که چگونه درباره مسائل سخن بگویند، بهره‌گیری از امپراتوری رسانه‌ای برای پیشبرد اهداف نظام سرمایه‌داری و حتی توجیه بمباران و اشغال یک کشور، همگی نشانه‌های دردناک درباره عصری است که در آن به سر می‌بریم. هر آنچه دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری- که یاوری چون صهیونیسم جهانی را نیز در کنار خود می‌بیند ـ به خورد مردم جهان می‌دهد، به دنبال دستیابی به این امر است که نظام سرمایه‌داری را تنها نظام مقبول و مطبوع به تصویر کشد.

اگر کسی این دیدگاه را نپذیرد و به دنبال روشنگری و آگاه‌سازی مردم درباره دروغ‌ها، نیرنگ‌ها و پوچ بودن «آرمانشهر»ی باشد که سرمایه‌داری جهانی برای مردم جهان به تصویر می‌کشد، با سرنوشتی دردناک روبه‌رو خواهد شد.

بسیاری از رای‌دهندگان بویژه جوانان در قبال همه احزابی که به اسم‌ها و ایسم‌ها و گرایش‌های مختلف در اروپا مشغول فعالیت هستند؛ از چپ و راست، چپ متمایل به مرکز و راست متمایل به احزاب میانه یک احساس دارند و آن اینکه حضور در انتخابات هیچ تفاوت و تمایزی دستکم در راستای منافع جامعه ایجاد نمی‌کند بلکه شاهدیم راستگرایان افراطی جنگ‌افروزی می‌کنند، از اقدامات ریاضتی حمایت و از نظارت‌ها حتی بر زندگی شخصی مردم دفاع می‌کنند و آن را برای شکست دادن تروریسم ضروری می‌دانند بی‌آنکه حتی بپرسند چرا تروریسم روی می‌دهد! چه؛ اگر کسی این پرسش را مطرح کند، خود به‌عنوان تروریست مشمول انواع مجازات‌ها خواهد شد.

چرا تروریست‌ها دست به جنایت می‌زنند؟

اساسا چه عاملی باعث شکل‌گیری تروریسم می‌شود؟ و پرسش‌هایی از این دست، بی‌معنی است و کمکی به حل مشکل نمی‌کند. اگر در راستای منافع قدرت‌ها نباشد، اگر کسی بپرسد سیاست‌های امپریالیستی آمریکا یا سیاست خارجی انگلیس و فرانسه تا چه میزان در شکل‌گیری تروریسم نقش داشته است، مورد حمله قرار می‌گیرد اما قطعا سازمان‌های جاسوسی و سرویس‌های امنیتی بهتر از هر کسی می‌دانند به چه دلیلی فردی بی‌منطق می‌شود و دست به اسلحه می‌برد یا با انفجار کمربند انفجاری شماری بیگناه را به خاک و خون می‌کشد و در اینجاست که برای سرپوش گذاشتن بر واقعیات، پای مذهب به میان می‌آید تا تروریست فردی مذهبی(عمدتا مسلمان) به تصویر کشیده شود که براساس عقاید مذهبی خود دست به انفجار و کشتار زده است. حال کدام مذهبی است که دستور به کشتار بیگناهان می‌دهد؟ صرفا مذهب ساخته‌شده از سوی سرویس‌های امنیتی و جاسوسی غربی است که دقیقا در راستای اهداف قدرت‌ها ایفای نقش می‌کند. عراق قبل از تجاوز سال ۲۰۰۳ آمریکا، بالاترین سطح تحصیل را در غرب آسیا داشت. در بغداد و موصل ـ که در حال حاضر جولانگاه تروریست‌های داعش است ـ کتابخانه‌هایی وجود دارد که قدمت آنها به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. قدمت کتابخانه موصل به قرن هشتم بازمی‌گردد و دستنوشته‌ای به زبان یونانی کهن در آن نگهداری می‌شد اما به لطف بمباران‌ها و غارتگری صورت‌گرفته، اکنون هزاران کتاب و نسخه خطی باارزش این کتابخانه‌ها نابود شده است. دنیای سعادتمندی که غرب و در راس آن آمریکا برای عراق به تصویر کشیده بود، جز بدبختی و تباهی برای مردم این کشور به دنبال نداشت و هنوز هم مردم ستمدیده عراق با تروریست‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند که مخلوق سرویس‌های امنیتی غربی تحت حمایت عربستان، رژیم صهیونیستی و شماری از کشورهای عربی هستند.

هر آنچه در عراق روی داده است، نتیجه یک جنگ فاجعه‌بار است که نام آن را باید نسل‌کشی گذاشت. شمار کشته‌شدگان مورد مناقشه است، چرا که ائتلاف متجاوز به عراق نمی‌خواهد شمار دقیق تلفات غیرنظامیان در کشوری که اشغال کرده، روشن شود. اشغال عراق یکی از مخرب‌ترین رویدادها در تاریخ مدرن جهان است. غرب نظام آموزشی و سلامت عراق را به نابودی کشید و بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها به قتل رسیدند. حال که دولت شیعه هم می‌خواهد این کشور را بسازد، آمریکا و تروریست‌های دست‌سازش نمی‌گذارند.

درباره افغانستان نیز همه می‌دانند چه هدفی در پس حمله به این کشور وجود داشت؛ هر علتی جز «مدرن» کردن این کشور جنگ‌زده که از سوی آمریکا و انگلیس در بوق و کرنا شده بود. افغانستان نه‌تنها «مدرن» نشده بلکه در ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی نظیر بهداشت، سلامت و آموزش نیز دچار مشکل شده است. غرب هر جا پا گذاشته جز ویرانی و تباهی ارمغانی بر جای نگذاشته است.

این دو جنگ، خیری برای هیچ‌کس جز غرب و رهبران غربی به دنبال نداشت که از همان ابتدا ایجاد شکاف بین جهان اسلام و جهان عرب را دنبال می‌کردند. هدف اصلی غرب، درگیر کردن مردم منطقه به مسائل خود بود و اکنون می‌بینیم اقدامات برخی کشورهای عربی نظیر عربستان در حمله به یمن دقیقا براساس طرحی است که طراحان غربی و در راس آنها آمریکایی‌ها، برای ایجاد شکاف و اختلاف بین اعراب و مسلمانان طرح‌ریزی کرده بودند و اکنون منطقه خاورمیانه بیش از آنکه درگیر اشغالگری‌ها و حضور متجاوزان باشد، درگیر اختلافات خونین بین خود است و تا زمانی که برخی رهبران فریب‌خورده منطقه، در چارچوب نقشه‌ها و سناریوهای غرب ایفای نقش کنند، جنگ‌ها و درگیری‌ها و برادرکشی‌ها ادامه خواهد یافت و جالب آنکه این رژیم غاصب صهیونیستی است که از اختلاف میان مسلمانان و اعراب بیشترین سود را برده و به جنایات خود در سرزمین‌های اشغالی ادامه می‌دهد؛ بی‌آنکه احساس ناامنی کند. حل مسائل غرب آسیا تنها زمانی امکانپذیر خواهد شد که رهبران منطقه به جای درگیر شدن با یکدیگر، اتحاد را سرلوحه قرار داده و زمینه حضور اشغالگران غربی را از بین ببرند. آمریکا دیگر قدرت گذشته نیست و این افول ناشی از بیدار شدن ملت‌هاست و اگر بیداری اسلامی که منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را درنوردیده بود، از سوی برخی سران فریب‌خورده عرب تحت بازی حساب‌شده غرب، از مسیر اصلی خود خارج نشده بود، اکنون شاهد حمله عربستان به یمن نبودیم و این همه بیگناه به خاک و خون کشیده نمی‌شدند. نسخه‌ای که آمریکا و متحدانش برای منطقه غرب آسیا می‌پیچند، جز تباهی و ویرانی ارمغانی به دنبال نخواهد داشت.

ملت‌ها بیدار شده‌اند و با جنگ و خونریزی نیز نمی‌توان مانع آن شد. سیل جاری‌شده از خون جوانانی که در برابر اشغالگری‌های برخی دولت‌های عرب منطقه ایستاده‌اند، کاخ ظلم و جور را با خود خواهد برد؛ ان‌شاءالله.